

محمود نادری، نویسنده کتاب «کومله» در گفت وگو با «ایران»:

کومله در ترور برخی از شهدای هسته‌ای با اسرائیل همکاری داشت

پس از انقلاب اسلامی ایران شرایط پرتلاطمی در کشور رقم خورد که منجر به ایجاد و فعالیت ده‌ها گروه با آرمان‌ها و انگیزه‌های مختلف شد. شرایطی که صدها نشریه متعلق به گروه‌های سیاسی متفاوت و متعارض منتشر می‌شد؛ حتی برخی از آنها به صراحت از سرنگونی حکومت برآمده از انقلاب سخن می‌گفتند. محمود نادری، نویسنده و پژوهشگر ایرانی سال‌های طولانی در خصوص این وضعیت مطالعه کرده و ثمره آن کتاب‌های مختلفی از جمله حزب دموکرات کردستان ایران، مانوئیسیم در ایران، چریک‌های فدایی خلق و... بوده است. او در آخرین پژوهش‌های خود چند ماه قبل کتابی با عنوان کومله، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران منتشر کرده است. در همین خصوص «ایران» با نویسنده این کتاب به گفت وگو نشست تا در خصوص چگونگی شکل‌گیری کومله، انشعاب‌ها، ارتباطات آن با رژیم صهیونیستی، تأمین مالی و مسائلی از این دست بیشتر کسب اطلاع کنیم. در ادامه متن کامل این گفت‌وگو در اختیار مخاطبان قرار داده شده است.

■ در خصوص تأسیس گروه کومله بین اعضای خود گروه‌هاو دیگران اعم از گروه‌های رقیب، نویسندگان، پژوهشگران و... اختلاف نظر وجود دارد. اعضای گروه کومله معتقدند این گروه در اواخر دهه ۱۳۴۰ تأسیس شد. در حالی که منتقدان بر این باورند که سابقه گروه به سال ۱۳۵۷ بازمی‌گردد. نظر شما در این باره چیست؟

اولا لازم است که بدانیم کومله در زبان کردی به معنای جمعیت، گروه و سازمان است؛ اما این سازمانی که ما امروز به نام کومله می‌نامیم در حقیقت «سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران» است. این سازمان همان طور که شما فرمودید، مدعی است از سال ۱۳۴۸ تشکیل شد، در حالی که طبق پژوهش‌ها که صورت گرفته به‌طور محتمل به نشان داده شده که چنین سازمانی اساساً وجود خارجی نداشته، بلکه محفلی بود از دانشجویانی که در دانشگاه‌های تهران و تبریز تحصیل می‌کردن. این محفل به تالیف در سال ۱۳۵۳ خمریه خورد و اعضای آن به زندان افتادند و هریک به چند سال زندان محکوم شدند...

■ یعنی اعضای اولیه کومله صرفاً حلقه‌های مطالعاتی بودند که ساواک آنها را بازداشت کرد؟

بله. تمرکز آنها تنها بر محافل کتابخوانی و حداکثر پخش اعلامیه بود. کارها و فعالیت‌های سیاسی‌شان فراتر از اینها نبود و به مثابه سازمانی نبودند که فعالیت‌های گسترده‌ای داشته باشد. این افراد دور همندیکر جمع می‌شدند و صحبت‌هایی می‌کردند و تحت تأثیر فضای سیاسی کشور جنبش دانشجویی و فضای چریکی قرار داشتند و چه‌شخصه‌ای محفل، پرهیز و انکار هرگونه فعالیت چریکی و مسلحانه بود. پس از ضربه، بعضی‌هایشان منتقل و خانه‌نشین شدند و کار سیاسی را تقریباً رها کرده بودند و حتی برخی از آنان پس از آزادی از زندان چندان رغبتی به کار سیاسی نشان نمی‌دادند.

■ یعنی بعد از ضربه ساواک به سازمان مجاهدین خلق؟

بله. در آن سال‌ها تمام گروه‌های مسلح زیر ضربه ساواک بودند و ساواک به هر گونه فعالیت سیاسی در دانشگاه‌ها حساس شده بود، بنابراین هرجایی که احساس می‌کرد ممکن است فعالیتاتی صورت بگیرد، بی‌ملاحظه ضربه می‌زد و بر برخورد می‌کرد. بنابراین، این محفل که بعدها کومله نام گرفت هم ضربه خورد، بدون توجه به آنکه این محفل اساساً به دنبال کار مسلحانه نبود.

■ حبس‌هایشان چه مدت بود؟

همه‌چیز حس داشتند، ولی عموماً نزدیک به سه سال و کمتر از آن. آنها پس از گذراندن دوران محکومیت‌شان آزاد و مشغول به کار می‌شدند تا اینکه تحت تأثیر فضای سیاسی کشور که نشان می‌داد تحولات عمیقی در شرف وقوع است، آنها مجدداً دور هم جمع شدند و این بار تصمیم گرفتند فعالیت‌هایشان را در قوسه یک سازمان مجدداً شروع کنند و برای این کار و تجربه از دیگر سازمان‌های سیاسی، فردی به نام سعید معینی (را می‌فرستند که برود با اتحادیه میهنی در عراق ارتباط بگیرد. لازم به یادآوری است که برادران سعید معینی به نام‌های سلیمان و عبدالله معینی، اعضای کمیته انقلابی حزب دموکرات کردستان بودند که در سال ۱۳۴۷ گشته شده بودند، اما اعضای اتحادیه نسبت به حزب دموکرات کردستان متوجه داشتند، به این معنا که حزب دموکرات کردستان را یک حزب قومی و غیرایندولونیک می‌دانستند، در حالی که آنها داعیه مارکسیسم داشتند و خودشان را مارکسیست می‌دانستند و جزوه‌های مارکسیستی خوانده بودند. بنابراین سعید معینی را برای ارتباط‌گیری با اتحادیه میهنی کردستان عراق (راهی عراق می‌کنند و او در خردادماه سال ۱۳۵۷ در درگیری در ماووت عراق کشته می‌شود و پادشاه کردستان دستور داشتند، به این معنی که حزب دموکرات کردستان به حزب دموکرات کردستان عراق تبدیل شود و جعفر شفیع، مأمور ارتباط با اتحادیه میهنی می‌شوند و به کردستان عراق می‌روند.

■ عبدالله سلیمان معینی چگونه کشته‌شدند؟

سلیمان و عبدالله از اعضای حزب دموکرات کردستان بودند که در سال ۱۳۴۷ کشته می‌شوند. سلیمان توسط افراد ملا مصطفی بارزانی و عبدالله هم در برخورد با ساواک کشته شدند. بنابراین اعضای محفل با پیوستن دموکرات کردستان عراق به حزب دداشتند. به یاد داریم که در همان روزهای اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کومله خوهان اخراج بارزانی‌ها از ایران بود و پس از مرگ ملامصطفی بارزانی که در آمریکا به علت ابتلا به سرطان صورت گرفت، کومله اطلاعیه داد و نوشت که جسد متفقن او را به ایران راه ندهید. متقابلاً روابط محفل با اتحادیه میهنی کردستان عراق به رهمیری جلال طالبانی منتهی شد. اتحادیه میهنی در تقابل با حزب دموکرات کردستان عراق با همان پارتی بود. بنابراین آنها به سمت جلال طالبانی می‌روند. جلال طالبانی هم گرایش‌هایی مانوئیسیتی از خود نشان می‌داد. به هر حال اعضای آن محفل که اوضاع سیاسی کشور را درک کرده بودند مجدداً دور هم جمع شدند تا فعالیت خود را سر بگیرند.

■ تعداد این بنیانگذاران اولیه کومله در سال ۱۳۵۷ چند

اساس آن الگو، اینها تصمیم داشتند در ابتدا یادگان‌ها را خلع سلاح بکنند. هرچند در آغاز می‌گفتند که ما خودمختاری می‌خواهیم، ولی پیش از آنکه روشن شود طرح حکومت جدید راجع به اقوام چیست، اینها با اسلحه به یادگان‌ها حمله و سلاح‌ها را غارت کردند.

■ در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ شاهد درگیری میان گروه‌های مسلح کردی هستیم؛ مثلاً گروه کومله درگیری‌های شدید و خشنی با حزب دموکرات کردستان دارد. ریشه این درگیری میان گروه‌های مسلح کردی بایدکی جز چه بود؟

کومله یک سازمان کمونیستی بود و همان طور که گفتیم با حزب دموکرات کردستان که حزنی ناسیونالیست بود مرزبندی داشت. حزب دموکرات کردستان، یک پیشینه و پایگاه اجتماعی مشخص در کردستان داشت ولی کومله فاقد این پیشینه و پایگاه اجتماعی بود، حتی در مساله خودمختاری، شاید ابعاد خودمختاری برای اعضای کومله روشن نبود. آنها اجمالاً خودمختاری می‌خواستند ولی ایجاد این هدفی که دقیقاً به این صورت تصور می‌کنم که آنها خودمختاری را بهانه‌ای قرار داده بودند برای اینکه اهداف واندیشه‌های کمونیستی خودشان را بگسترانند و آن دولت مورد نظر خودشان را مستقر کنند. مصطفی سطلانی در جلسات سال ۱۳۵۷ می‌گوید که حتی اگر یک دولت ملی هم سر کار بیاید، ما تازه برآمده از انقلاب تعارض داشتند. معلوم است که آنها دنبال یک دیکتاتوری پرولتاریا بودند. چنین چیزی در ذهن شان بود ولی ابعاد خودمختاری برایشان روشن نبود. از این رو، به، میان کومله و حزب دموکرات کردستان که خودمختاری می‌خواست، یک اشتراک لفظی وجود داشت. مفهوم خودمختاری شاید برای حزب دموکرات کردستان یک مفهوم روشن‌تری بود تا برای کومله ضمن اینکه توجه داریم که چریک‌های فدایی یک سازمان بومی نبود، بلکه یک یک سازمان سراسری بود، ولی این دو گروه، یعنی حزب دموکرات و کومله هر دو سازمان‌های بومی بودند. خودمختاری برای این دو گروه می‌توانست موضوعیت داشته باشد، ولی برای یک سازمان سراسری مثل چریک‌های فدایی خودمختاری نمی‌توانست به این غلظت موضوعیت داشته باشد، مگر اینکه بپذیریم گروه‌های مارکسیستی خودمختاری را بهانه مناسبی برای تأمین اهداف خود یافته بودند.

■ برسیم به عملکرد گروه کومله در دهه ۱۳۶۰ که یکی از پر فراز و نشیب‌ترین دوره‌های گروه کومله می‌تواند به شمار برود. هر گروهی که می‌خواهد باحکومتی مبارزه بکند، لازم است چند عنصر را باید داشته باشد؛ به صورت مشخص باید ایدئولوژی، تشکیلات، منبع مالی و منبع اطلاعاتی داشته باشد. مایه‌دایم که ایدئولوژی این گروه، یک ایدئولوژی کمونیستی با گرایش مانوئیسیتی بود، اما تشکیلات، منابع مالی و منابع اطلاعاتی این گروه در دهه ۱۳۶۰ را نمی‌دانیم، ابتدا درباره تشکیلات کومله توضیح بفرمایید. می‌دانیم که گروه کومله پیش از انقلاب یک تشکیلات سازمان‌مند نداشت و به تعبیر هائیتیکون در کتاب سازمان سیاسی، نهادمند بود، اما می‌بینیم که بعد از انقلاب، این گروه ۱۲-، ۱۰ نفره کم کم به شمار نفراش افزوده می‌شود و ساختار بنی‌بنی شکل می‌گیرد. تشکیلات گروه کومله بعد از انقلاب به صورت خاص در دهه ۱۳۶۰ به چه شکل بود؟

اولا باید توجه داشته باشیم که فضای کشور در آنسئانه انقاز و پس از آن، یک فضای سیاست‌زده بود. همه مردم به گروه‌های سیاسی اقبال نشان دادند و گروه‌دستان و ارتجاعیان گریه می‌زد. این قاعده مستثنی نبودند. کردها یک پیشینه‌ای داشتند، یک تقاضاهای داشتند، با تبلیغات گسترده‌ای که صورت گرفت احساس غم داشتند، به این ترتیب تصور می‌کردند که غیر از ستمی که همه ملت ایران در دوره پهلوی شده بود، به کردها ستمی مضاعف شده و عقب‌ماندگی خودشان را از آن ستم مضاعف می‌دانستیم. می‌گفتند چون ما کرد هستیم، به ما ستم مضاعف شده، از این جهت هم همه اقوام و گروه‌های اجتماعی در ایران شده بود. بله کردستان عقب مانده بود، کارخانه‌ای در آنجا وجود نداشت، ولی این عقب‌ماندگی که با تبلیغات پررجم مردم کرد در دهه‌های مختلف وجود داشت، به این تبلیغات با توجه به سطح انتظارات از پارتی‌برد و اقلیت، به این گروه‌ها شد و کومله هم -چون شعارهای رادیکال‌تری می‌داد، توانست عده‌ای از افراد را جذب کند و فعالیتش را نظامی بکند و الزاماً چنین نیست که ما تصور بکنیم این گروه یک پایگاه اجتماعی گشایش دارد، بلکه به خشونتی که به خرج می‌داد بخشی از جامعه را مرعوب کردند و توانستند با عده اندکی آن فعالیت‌های نظامی را انجام بدهند، به طوری که زمانی، بعضی از شهرها، مثلاً سنندج از دست آنها تدری می‌آمد، مردم احساس رضایت و خوشنودی می‌کردند. خب اکثریت مردم مسلمان هستند و اینها برای فریقن مردم سراغ عزالدین حسینی رفتند، چون می‌دانستند که جامعه مذهبی است و برای فریقن جامعه مذهبی سراغ کسی رفتند که مثلاً ماموسا بوده، با امام جمعه مه‌باد بود. اینها با افرادی که دور و بر خودشان جمع کردند، یک نظامی را بافاصله شروع کردند و حوادث

خوشنوت‌باری را رقم زدند.

■ پس اگر بخواهم یک جمع‌بندی بکنم، عضوگیری کومله در سال‌های بعد از انقلاب از دو طریق بود، یکی ارباب و دیگری فریب مردم در پوشش مذهبی و به کارگیری شیخ‌عزالدین حسینی.

از ارباب نمی‌توانستند عضوگیری بکنند، ولی با ارباب توانستند بخشی از جامعه را ساکت بکنند. وقتی که با خشونت‌بارترین شکل با افراد مذهبی برخورد کردند، بخشی از جامعه تقریباً مرعوب شده بود، البته اقشار وسیعی از مردم نیز به مقابله با آنها پرداختند و همین عدم اقبال اجتماعی بود که زمینه حذف آنان را فراهم کرد.

■ مؤلفه بعدی، منابع مالی است. آن طور که در کتاب شما هم مشاهده می‌شود در سال‌های جنگ تحمیلی اسنادی از اسناد مخابرات عراق (سرویس اطلاعاتی عراق) وجود دارد که نشان از تأمین مالی گروه کومله دارد. به صورت کلی منابع مالی کومله از کجا بر آورده می‌شد؟ هزینه‌های کومله از کجا تأمین می‌شد؟

باید توجه داشته باشیم که یکی از اختلافات کومله با حزب دموکرات این بود که کومله می‌گفت حزب دموکرات وابسته به حزب بعث عراق است، البته کومله در این مورد درست می‌گفت بی‌ربط نمی‌گفت و از سال‌های بسیار دور، حزب دموکرات زیر بال و پر حزب بعث عراق بود و رفت و آمدهایی داشتند در آنجا. روابط خوبی داشتند حزب دموکرات با حزب بعث عراق. آن دو یعنی حزب دموکرات و حزب بعث ویژگی‌های مشترکی داشتند که آنان را به هم نزدیک می‌کرد. بنابراین، تا قبل از شروع جنگ ایران و عراق، کومله مدعی است که منابع مالی‌اش توسط «ایرانی»، مثلاً پول‌هایی که مردم هدیه می‌دهند، از این طریق تأمین می‌شده در حالی که حتماً چنین نیست، یک سازمان که باید هزینه باصطلاح پیشمرگه‌هایش را می‌داد نمی‌توانست با کمک‌های ناچیز بخشی از مردمی که خود معترف بودند فاقد رفاه هستند، اداره شود. بخشی از آن هزینه‌ها به زور از مردم گرفته می‌شد. تعدادی اندک از مردم کمک‌هایی می‌کردند ولی بخش عمده‌اش به زور گرفته می‌شد.

با شروع جنگ ایران و عراق یک فرصت طلایی

برای تمام گروه‌های اپوزیسیون، از جمله کومله پیش آمد. آنها چون دشمن اصلی خودشان را جمهوری اسلامی می‌دانستند، بدینج به رژیم یعنی نزدیک شدند و منبع درآمدشان کمک‌های مالی حزب بعث عراق بود. یکی از اعضای حزب نرجب‌بان به نام ایرج

بازگروه‌هایی که کمک دریافت می‌کرد، تبادل اطلاعاتی هم داشت؟ آیا کومله با سرویس‌های اطلاعاتی پشتیبانان‌اش مثل یعنی آمریکا، عراق و عربستان سعودی تبادل اطلاعاتی هم داشت؟

مسئله کوره‌هایی که پول می‌دهند، حتماً انتظاراتی از دریافت‌کننده پول دارند. هرچند بعدها عبدالله مهتدی مدعی شد که با بدون قید و شرط کمک مالی دریافت می‌کردیم، ولی چنین قید و شرطی وجود ندارد. کسی که پول می‌دهد، فقط به پیشمرگه‌هایش را می‌داد نمی‌توانست با کمک‌های منظور ضربه‌یون‌زدن به کشور رقیب نیست و کسی که خیانت پیشه می‌کند، خیانت دیگر حد و مرزی ندارد. همان طوری که در اسناد انتهایی کتاب کومله آمده، اخیر مربوط به یگان‌های نظامی جمهوری اسلامی را که کجا مستقر هستند و غیره و ذلک کومله در اختیار استخبارات عراق قرار می‌داد.

■ در سال‌های بعد ما شاهد یک سری انتالف‌ها و انتالف‌ها در گروه کومله هستیم. به‌صورت خاص انتالف‌شان با اتحادیه مبارزان کمونیست بود و در سال‌های بعد انشعاب‌شان با همین گروه و انشعاب‌بین اعضای اولیه کومله، درباره این انتالف‌ها و انشعاب‌ها

بفرمایید. این انتالف‌ها و انشعاب‌ها به تعبیر ادبیات چپ استراتژیک بود یا تکنیکی؟

همان طور که عرض کردم کومله یک سازمانی بود با یک بضاعت تئوریک اندک. اینها فاقد دانش مارکسیستی بودند. سوادشان از چند جزوه مارکسیستی فراتر نمی‌رفت. در آثار تئوریک‌شان هم مشخص است که فقیر بودند. از این جهت بسیار فقیر بودند. بنابر این خلأ ایدئولوژیک و خلأ نظری را کومله در همان سال‌های اولیه چنین بهانه‌ای به عراق وایسته شد خصوصاً پس از ضرباتی که خوردند و مجبور شدند که ایران را ترک کنند. ترک ایران یعنی رفتن به کردستان عراق و آنجا وابستگی‌شان دوچندان شد. پول‌های بی‌رویه عراق بود که به آنها می‌رسید.

■ این تأمین مالی فقط منحصر به عراق بود؟

ما باید یک تجربه تاریخی را در نظر داشته باشیم، وقتی بعضی از گروه‌های کمونیستی، مثلاً در آن تجربه ما می‌توانیم به این نتیجه برسیم که حتماً آمریکا به اشکال مختلف، به هر کسی که با جمهوری اسلامی در تقابل قرار می‌گرفت، کمک می‌کرد. یعنی آمریکا به هر چه بیشتر احزاب کمونیستی را از دور و اطراف اتحاد جماعیه‌های شوروی برانکند می‌کرد به نفع آمریکا بود و بهتر می‌توانستیم از آنها در عراق تبلیغاتی علیه شوروی استفاده کند. بنابراین آمریکا در کمک‌سانی به این سازمان و احزاب هیچ کوتاهی نکرد. سازمان سیا بی‌دریغ کمک می‌کرد. بر اساس این تجربه ما می‌توانیم به این نتیجه برسیم که حتماً آمریکا به اشکال مختلف، به هر کسی که با جمهوری اسلامی در تقابل قرار می‌گرفت، کمک می‌کرد. یعنی آمریکا به هر چه بیشتر احزاب کمونیستی را از دور و اطراف اتحاد جماعیه‌های شوروی برانکند می‌کرد به نفع آمریکا بود و بهتر می‌توانستیم از آنها در عراق تبلیغاتی علیه شوروی استفاده کند. بنابراین آمریکا در کمک‌سانی به این سازمان و احزاب هیچ کوتاهی نکرد.

■ اولین انشعاب‌ها در حزب کمونیست ایران است. سرونوت اینها چه شد؟

افراد انشعاعی به اروپا رفتند و حزب کمونیست ایران را با هزار ضربه چاقو و از پت درمی‌آوریم. احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون از جمله کومله می‌توانند چاقوه‌ای نفتالی بت باشند. این گروه‌ها و سازمان‌ها به ابتدا شعارهای ضداسرائیلی می‌دادند ولی بدینج به اسرائیل نزدیک شدند و قبح همکاری با اسرائیل ریخت، به طوری که عبدالله مهتدی در جایی‌بان کرده است که ما با دولت اسرائیل همکاری نداریم، شاید این یک چراغ سبزی بود که اسرائیل که آماده هرگونه همکاری است. این احتمال می‌رود که همکاری‌ها از مدتها پیش آغاز شده بود ولی اکنون با این حرف عبدالله مهتدی که در خاطراتش گفته، آن روابط پنهانی را علنی کرده است، یعنی خواسته به همه اعلام بکند که چنین روابطی جایز است و امکان آن وجود دارد و در حقیقت قبل از آن که روابط لو برد و آن افشا کرد، است که طور که مدت‌ها روابطشان با رژیم تقریباً از کمونیسم فاصله گرفت و گفت ما اصلاً اشتباه کردیم که حزب کمونیست تشکیل دادیم.

■ علت انشعاب‌شان چه بود؟

انشعاب‌ها اصولاً زمانی رخ می‌دهند که سیاست‌ها با شکست مواجه می‌شود. همه هم‌دیکر را عامل شکست معرفی می‌کنند. در زمان پریوزی عراق که در دنبال انشعاب نیست. کومله نیزمشمول این قاعده بود. شکست‌های بی‌رپی هم را استراتژی و هم در تاکتیک و همچنین ناکارآمدی از مهم‌ترین علل انشعاب در حزب کمونیست ایران بود. فساد و

■ مؤلفه بعدی بحث تبادل اطلاعاتی است. آیا کومله

ردیف	اسم	تاریخ تولد	تاریخ وفات	محل تولد	محل وفات	سبب درگذشت	محل دفن
۱	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۲	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۳	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۴	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۵	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۶	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۷	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۸	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۹	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۱۰	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۱۱	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۱۲	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۱۳	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۱۴	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۱۵	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۱۶	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۱۷	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۱۸	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۱۹	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۲۰	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۲۱	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۲۲	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۲۳	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۲۴	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۲۵	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۲۶	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۲۷	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۲۸	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۲۹	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۳۰	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۳۱	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۳۲	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۳۳	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۳۴	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۳۵	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۳۶	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۳۷	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۳۸	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۳۹	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۴۰	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۴۱	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۴۲	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۴۳	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۴۴	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۴۵	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۴۶	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۴۷	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۴۸	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۴۹	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۵۰	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۵۱	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۵۲	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۵۳	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۵۴	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۵۵	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۵۶	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۵۷	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۵۸	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۵۹	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۶۰	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۶۱	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۶۲	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۶۳	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۶۴	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۶۵	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۶۶	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۶۷	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۶۸	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۶۹	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۷۰	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۷۱	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۷۲	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۷۳	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۷۴	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان
۷۵	عبدالله مهتدی	۱۳۰۵	۱۳۶۷	کرمان	کرمان	ضربه چاقو	کرمان